

## بررسی و تحلیل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندان در نهج البلاغه

حجت الاسلام سید محمد مهدی غفاری ستار<sup>۱</sup>

### چکیده

حقوق شهروندی یکی از مهم‌ترین مفاهیم و ایده‌های اجتماعی است که در بازخوانی رابطه فرد و جامعه کارایی دارد. تعاریف متفاوتی از حقوق شهروندی شده است ولی تعبیر مشترک از آن وجود دارد که عناصر اصلی آن حقوق و وظایف هست. شهروندی رابطه بین فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت‌ها بازنمایی می‌کند، شهروندی با مطرح کردن این که باید با همه افراد به‌طور برابر رفتار شود بالقوه می‌تواند ریشه‌های تنش‌های اجتماعی که نظم اجتماعی را تهدید می‌کند بخشکاند، حقوق شهروندی می‌تواند راهی برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منابع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه کند. حقوق شهروندی با حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شود؛ یعنی در جامعه‌ای که این حقوق رعایت شود، آن جامعه، جامعه‌ای عادل و با تمام افراد به‌طور برابر و مساوات برخوردار می‌شود؛ از این‌رو در این مقاله تلاش شده است به بررسی و تحلیل سخنان امام علی (ع) در نهج‌البلاغه در خصوص حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی بپردازیم.

**کلمات کلیدی:** حقوق شهروندی، حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> - محقق فقه و مبانی حقوق اسلامی Email: sayedgafarisatar@gmail.com

## مقدمه

باید به این نکته اذعان کرد که حقوق شهروندی در جای معنی می‌شود که از یک سو دولت وجود داشته باشد و در سوی دیگر افراد یا گروه‌هایی در جامعه باشند که حضور فعال در جامعه داشته باشند، مارشال معتقد است که هرگاه تساوی در حقوق به وجود بیاید حقوق شهروندی معنا می‌یابد، از نظر او حقوق شهروندی در دنیای جدید از حقوق مدنی در پایان قرن نوزدهم آغاز شد و پس از دستیابی افراد به حقوق سیاسی در قرن بیستم و حقوق اجتماعی در نیمه دوم قرن بیستم به رسمیت شناخته شد. در نهج البلاغه حق از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم و واژگان نیست که گسترده‌ترین مصادیق را دارد: «کاری که باید پیش از هر کار دوست داشته باشیم میانه‌روی در حق است و همگانی کردن آن در برادری و دادگری که بیشتر سبب خوشنودی مردم می‌گردد زیرا خشم همگان رضا و خوشنودی چند تن را پایمال می‌سازد و خشم چند تن در برابر خوشنودی همگان اهمیت ندارد». (نامه ۵۳، بند ۱۱). بنابراین امام علی علیه‌السلام احیا و استیفای حقوق شهروندی را بر همه افراد واجب می‌داند و نخستین گام در این راه را شناخت و رعایت حقوق مدنی سیاسی و اجتماعی می‌داند.

## حقوق مدنی

حقوق مدنی حقوقی است که همه شهروندان در اجتماع ملی معینی دارا هستند و هدف حقوق مدنی این است که فرد بتواند روابط خود را با جامعه تنظیم کند (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۲۱). بشر هنگامی نیاز به حقوق و مقررات را احساس کرد که به زندگی اجتماعی رو آورد، ولی در زندگی اجتماعی همیشه فردی، گروهی، طبقه‌ای در برابر مردم ایستاده و می‌خواهند همه قوانین و مقررات را در جهت حقوق خود بکشانند و دیگران را از حقوق طبیعی و قانونی خویش بی‌بهره سازند (افروغ، ۱۳۸۷: ۷۸)، در زمان امام علی علیه‌السلام بشرها نه حقوقی برای خود می‌شناختند و نه از هیچ‌گونه حقی بهره‌مند بودند، حقوق شهروندی در تمدن‌های دیگر هم به گروهی ممتاز و قدرتمند تعلق داشت و مردم جز حق فرمان‌برداری حق دیگری نداشتند، پیام نهج البلاغه آگاهی، آزادی و آگاه ساختن بشرها به حقوق طبیعی و مدنی‌شان است. در زیر به بررسی برجسته‌ترین شاخص‌های حقوق مدنی و مصادیق آن در نهج البلاغه می‌پردازیم.

## اهمیت شورا در جامعه

فارابی اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مسئولیت‌ها را به عهده رئیس مدینه می‌گذارد و در همین حال از تک‌تک شهروندان می‌خواهد که خود در موضع و موقع لازم، مشورت موردنیاز را به حاکم بدهند و با ایجاد فضای مشورتی در جامعه شرایط تحول و پیشرفت جامعه را فراهم کنند، برای متعالی کردن فضای مشورتی اجتماعی افراد شهر آرمانی خود، از تعاون و همکاری کمک می‌گیرد و معتقد است که افراد در فضای تعاون بهتر می‌توانند نظرات مشورتی خود را به حکومت بدهند و تعاون شرط بالقوه برای ایجاد فضای مشورتی در جامعه است (فلامکی، ۱۳۶۷: ۱۱۴).

فضای مشورت در جامعه از نیازهای اساسی برای تداوم حیات اجتماعی است نظرات اعضای جامعه می‌تواند سبب توسعه و ترقی جامعه شود، اگر در جامعه رابطه حکمران با مردم صرفاً مستبدان باشد زمینه تغییر و دگرگونی حیات اجتماعی جامعه پدید می‌آید، ولی اگر رابطه حکم آن با مردم بر مبنای مشاوره و مذاکره باشد سبب پیدایش الفت و انسجام اجتماعی می‌شود، در این مسیر جامعه به رشد و تعالی خود دست می‌یابد.

امام علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

نامه امام به معاویه برای صحت و درستی خلافت خود و توضیح در مورد این که خلافت ایشان بر اساس شور صورت گرفته و اهمیت مشورت در جامعه اسلامی امری ضروری و غیرقابل انکار است: «و مشورت در امر خلافت به عقیده شما حق مهاجرین و انصار هست و چون ایشان گرد آمده و مردی را خلیفه و پیشوا نامیدند، رضا و خشنودی خدا در این کار است و اگر کسی به سبب عیب‌جویی و یا بر اثر بدعتی از فرمان ایشان سر پیچد او را به اطاعت وادار نمایند» (نامه ۶ بند ۲).

نامه امام به مالک اشتر و سفارش کردن به مشورت با مردم در کارها: «و بر هوا و خواهش خود مسلط باش و به نفس خویش از آنکه برایت حلال و روانی است ببخش، ببر و مهربانی و خوش‌رفتاری و نیکویی با رعیت را در دل خود جای داده، پس از آن در گذر و برایشان آموزش بخواه و در کار با ایشان مشورت نما و اگر تصمیم گرفتی به خدا اعتماد کن که خدا اعتماد کنندگان را دوست دارد» (نامه ۵۳ بند ۶).

«و درباره استوار ساختن آنچه کار شهرهای تو را منظم گرداند و برپاداشتن آنچه مردم پیش از تو برپا داشته بودند بسیار با دانشمندان مذاکره و با راست‌گویان و درست‌کردار آن گفتگو کند که بر اثر آن همیشه حکومت تو پایدار مانده و کار رعیت به شایستگی انجام گیرد» (نامه ۵۳ بند ۲۴).

مشارکت مردم در تصمیم‌گیری حکومت از عوامل مهم تحقق شهروندی و رشد و تعالی جامعه است، یکی از علت‌های مهم مشورت امام علی با دیگران جلوگیری از اتهام خطاهای اجتماعی زمامدار است، امام اگرچه به‌عنوان زمامدار در رأس قدرت قرار دارد اما برای اداره جامعه کارگزارانی نیاز دارد بنابراین همیشه طرف مقابل مردم شخص زمامدار نیست بلکه کارگزاران او هستند که بعضاً به‌صورت مستقل تصمیم می‌گیرند، زمامدار شایسته باید در رأس امور باشد تا خطوط کلی سیاست‌های مشورتی را ترسیم کند و بر اجرای آن نظارت کلی داشته باشد.

زمامدار با مشورت پیشاپیش زمینه اقتناع را در مردم با مشارکتشان در امور حکومتی ایجاد می‌کند که خود عاملی مهم در امر قانون‌گرایی است، اما در غیر این صورت هرگونه خطایی به‌پای زمامدار نوشته خواهد شد و به‌عنوان کسی که قانون را رعایت نمی‌نماید متهم می‌گردد (طاهری، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

### رعایت عدالت در پیشگاه قانون

امنیت قضایی و تساوی در مقابل دادگاه یکی از نیازهای مبرم جامعه و تأمین آن موجب امنیت خاطر همگان است، حق داشتن وکیل در تمام دادگاه‌ها، اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، اصل برائت و

ممنوعیت شکنجه از هر نوع و من از هتک حرمت متهمین و اعمال اصل لاضرر و ممنوعیت سلب تابعیت به عنوان مجازات و نظایر آن از وظایف عمده قوه قضاییه در برخورد با افراد است (رکنی، ۱۳۸۴: ۱۳۲). در صورتی می‌توان در جامعه شهروندان استیفای حقوق کنند که محاکم اجرایی ساله وجود داشته باشد که در این محاکمه همه شهروندان از حقوق مساوی برخوردار باشند و قانون از همه یکسان حمایت کند (اشتراوس، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

نامه امام به زیاد بن ابیه هنگامی که در حکومت بصره قائم مقام عبدالله بن عباس بود و او هشدار می‌دهد که اگر در اموال بیت‌المال خیانت کرده باشد با او به شدت برخورد می‌کند و هیچ‌گونه مسامحه‌ای با آن خواهد کرد: «و من سوگند به خدا یاد می‌کنم سوگند از روی راستی و درستی اگر به من برسد که تو در بیت‌المال مسلمانان به چیزی اندک یا بزرگ خیانت کرده و برخلاف دستور صرف نموده‌ای بر تو سخت خواهم گرفت ن سختگیری که تراکم مایع و گرام پشت و ذلیل و خوار گرداند تو را از مقام و منزلت برکنار نموده و آنچه از بیت‌المال اندوخته‌های می‌ستانم، به طوری که درویش گردیده و توانایی کشیدن روزی عیالت نداشته و در پیش مردم خوار و پست گردی» (نامه ۲۰ بند ۱).

نامه به یکی از کارگزارانش که او را از نادرستی‌اش نکوهش نموده و از حساب خواسته که نشان‌دهنده برابری همگان در برابر قانون است: پس از خدا بترس و مال‌های این گروه را به خود بازگرداند که اگر این کار نکرده باشی و خدا مرا به تو توانا گرداند هر آنچه درباره به کیفر رساندن تونست خدا عضو بیاورم و تو را به شمشیرم که کسی را با آن نزد مگر آن که در آتش داخل شده، بزنم (نامه ۴۱ بند ۴).

«و به خدا سوگند اگر حسن و حسین کرده بودند مانند آنچه تو کردی با ایشان صلح و آشتی نمی‌کردم و از من به خواهش این می‌رسیدند تا اینکه حق را از آنان بستانم و باطل رسیده است حتماً آن‌ها را دوری سازم و سوگند به خدا پروردگار جهانیان آنچه را که از مالی‌شان برده‌ای به حلال اگر برای من باشد مرا شاد نمی‌کند که آن را برای پس از خود ارث بگذارم» (نامه ۴۱ بند ۵).

نامه به مالک اشتر و یادآوری این نکته که همگان در برابر قانون یکسان هستند: «و حق را برای آنکه شایسته است از نزدیک و دور خویش و بیگانه اجرا کن و در آن کار شکبیا و از خدا پاداش بخواه، اگرچه از به کار بردن حق به خویشان و نزدیکان تب رسد، هر چه برسد مثلاً لازم آید که از روی حق یکی از خویشان را قصاص نماییم و پایان حق را با آنچه بر تو گراند و بر نزدیکان سخت و دشوار است بنگر که پسندیده و فرخنده است» (نامه ۵۳ بند ۷۲).

همان‌طور که مشاهده کردیم حاکم باید در امور حقوقی قاطع باشد و حتی اگر خویشانش نیز تخلفی کردند به شدت با آن‌ها برخورد کند، امام علی در مورد برابری افراد در برابر قانون به قرآن کریم و دادگاه الهی اشاره می‌کند که همانا دادگاه الهی دادگاهی است که در آن بر اساس حق و عدالت بین افراد داوری می‌کند و هیچ تبعیضی بین افراد صورت نمی‌گیرد.

## آزادی عقیده و اظهار نظر

تبادل بی‌حد و حصر افکار از بارزترین حقوق شهروندان در جامعه هست، هر شهروند حق دارد که آزادانه حرف بزند، مشروط به اینکه در صورت سوءاستفاده از این آزادی در مواردی که قانون تعیین می‌کند مسئول و پاسخگو باشد فارابی جامعه را برای تحقق شهروندی ترسیم می‌کند و آن را مدینه فاضله می‌نامد که بتوان در آن بر مبنای ضابطه‌ها، معیارها و ارزش‌هایی که شهروندان و حاکمان قرار داده‌اند اداره شود، قوام و دوام جامعه به ریاست بستگی دارد و مهم‌ترین خصیصه ریاست حکمت او در برقراری ارتباط بین خود و اعضای جامعه است که اعضای جامعه بتوانند نظرات خود را به صورت آزادانه بیان کنند (فلامکی، ۱۳۶۷: ۱۹۷). در جامعه اگر افراد مسئولیت و عمل به حقوق خود را به‌عنوان شهروند بپذیرند باید بتوانند نظرات و عقاید خود را در حوزه عمومی بیان کنند، ایجاد این حوزه برای ایجاد فضایی دور از سلطه جهت ارتباط آزاد از وظایف دولت‌ها در راستای احقاق حقوق قانونی در جامعه است، آزادی بیان موجب می‌شود که رهبران و مدیران جامعه از تمایلات و خواسته‌های طبقات مختلف مردم آگاهی یافته و اقدامات خود را اصلاح نمایند (رکنی، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

امام در نامه‌ای به مالک اشتر سفارش می‌کند که آزادی بیان سبب مشروعیت حکومت می‌گردد و پایه‌های حکومت را محکم می‌کند: «و باید برگزیده‌ترین ایشان نسبت او وزیری باشد که سخن تلخ حق به تو بیشتر بگوید و کمتر تو را در گفتار و کردار است که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد بستاید اگرچه سخن تلخ و کمتر ستودن خواهش و آرزوی تو سبب دلتنگیت شود، هرچند گفتار و کردار تلخ روبرو تو گران آید و از روش او خشنود نباشی» (نامه ۵۳ بند ۱۸).

«و خود را به پرهیزگاران و راست‌گویان بچسبان و آنان را وادار و بیاموز که بسیار توانست آیند و از اینکه نادرستی به‌جا نیاورده‌ای تو را شاد نگردانند تا تو را به خود متوجه سازند زیرا بسیاری اسرار در ستایش شخص را خودپسند ساخته و سرکشی به بار می‌آورد» (نامه ۵۳ بند ۱۹).

همان‌طور که در نامه ۵۳ مشاهده می‌کنیم امام به مالک اشتر تأکید می‌کند وزیری را انتخاب نماید که دائماً رفتار و اعمال او را موردنقد قرار دهد و از او می‌خواهد که خودش را به پرهیزگاران راست‌گویان نزدیک کند تا از طریق آنان به ضعف‌های حکومتی خود پی ببرد و از خودپسندی و سرکشی دوری جوید. از مالک اشتر می‌خواهد که بخشی از وقت خود را در اختیار نیازمندان در مجلس عمومی قرار دهد که هیچ‌گونه فشاری بر رعیت نباشد تا آن‌ها بتوانند مشکلات و درخواست‌های خود را بگویند و حق خود را از حکومت طلب کنند و حتی از مالک می‌خواهد اگر آن‌ها به‌درستی به صحبت کنند تحمل کند و پیوسته با مهربانی و گشاده‌رویی با آنان برخورد کند.

### حقوق سیاسی

حقوق سیاسی در اسلام از رابطه دین و سیاست است که به وجود می‌آید، به این معنی که توده مسلمانان باید در سرنوشت سیاسی خود دخالت داشته باشند و انتخاب حاکم جزء یکی از وظایف دینی افراد به حساب می‌آید که به‌نوعی نشان‌دهنده وابستگی سیاست به دین هست.

حقوق سیاسی از حقوق فرد برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره امور اجتماعی بحث می‌کند و اینکه هر یک از افراد ملت حق دارند هر منصبی از مناسب مملکتی را که شایستگی تصدی آن را دارند آورند و در تشکیل حکومت سیاسی و اجتماعی مملکت خود سهیم باشند. در نهج البلاغه حکومت امری ضروری و گریزناپذیر است تأکید اصلی ایشان بر اهمیت و ضرورت وجود دولت در یک جامعه در راستای بقای اجتماعی آن است. از دیدگاه ایشان حاکمیت از آن مردم است و مردم صاحبان اصلی حکومت هستند و امام نیز با بیعت مردم حکومت را قبول کردند اگرچه حکومت و دولت امری ضروری در حیات اجتماعی است اما مردم نیز در تعیین نوع حکومت آزاد هستند و خودشان باید سرنوشتشان را تعیین کنند (رکنی، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۱۳).

### شفافیت عملکرد حاکمیت

یکی از وظایف اصلی هر حکومت این است که سیاست‌های خود را به‌صورت شفاف برای مردم بیان کند و هرگز از پنهان‌کاری و عوام‌فریبی مردم، برای پیشبرد مقاصد خود استفاده نکند، چراکه شفاف بودن عملکرد جای هیچ‌گونه شبهه و تردید ای برای مردم باقی نمی‌گذارد و مردم نسبت به حکومت وفادار می‌شوند و سعی می‌کنند که حکومت را عنصری از وجود خودشان بدانند که در پی مصلحت آن‌ها گام برمی‌دارد و باعث وفاداری و تعهد مردم نسبت به حکومت می‌شود (سلطان‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

امام در نامه نخست خود به اهالی کوفه یادآور می‌شود که بیعت مردم با حضرت در آزادی کامل صورت گرفته است و هیچ اجبار و فشاری از سوی هیچ‌کس بر مردم برای انتخاب ایشان وارد نشده است: «پس از حمد خدا و درود بر پیغمبر اکرم، من شما را از کار آسمان و سبب کشته شدن او آگاه می‌سازم به‌طوری که شنیدن آن مانند دیدن باشد تا کسانی از اهل کوفه که در آن واقعه نبودند مانند آن باشند که بودند و دیدند مردم به عثمان بر اثر کارهای ناشایسته زشتی‌هایش را نموده و ناسزا گفتند و من مردی از هجرت کنندگان بودم که بسیار خواستار خوشنودی مردم از او بوده و کمتر او را سرزنش می‌نمودند و همواره او را پند و اندرز داده و به تغییر کردار دعوت می‌کردم و لکن آسان‌ترین روش طلحه و زبیر درباره او تندروری و آهسته‌ترین سوق دادنشان سخت راندن بود. هرگز او را نصیحت نکرده، بلکه همیشه درصد برپانمودن فتنه و تبهکاری بودند، از این‌رو مردم را از خود دور و نزدیک گردآورده و به کشتن او ترغیب می‌کردند و ناگهان عایشه بی‌تأمل و اندیشه درباره او خشمناک گردید و مردم را به کشتن او ترغیب کردند و گروهی برای کشتن آماده شدند و او را کشتند» (نامه یک بند ۲).

نامه به معاویه که در آن او را از کردار زشتش سرزنش نموده و اندرز داده و پاک بودن حکومت خود را از خون عثمان به صورت شفاف برای او بیان کرده است: «و به گمان خود آمده‌ای از من خونخواهی عثمان می‌نمایی باینکه می‌دانی عثمان کجا کشته شده و چه کسانی او را کشتند و اگر در واقع خونخواه هستم از آنجا از اشخاصی که او را کشته‌اند مانند طلحه و زبیر و دیگران خونخواهی کن» (نامه ۱۰ بند ۷).

همان‌طور که مشاهده کردیم امام برای پیشبرد اهداف سیاسی‌اش از نیرنگ، عوام‌فریبی استفاده نکرد زیرا معتقد بود این روش‌ها جلو اصلاح تدریجی جامعه را می‌گیرد چراکه اصلاح در جامعه رخ می‌دهد که کارگزارانش صادق و راست‌گو باشند و همان‌طور که مشاهده شد سیاست ایشان همواره شفاف و روشن هست حتی در مورد چگونگی به خلافت رسیدنشان به صورت شفاف و بی‌پرده با مردم صحبت می‌کنند. انسان پوشیده نبودن کارهای دولت توضیح دادن حکومت به مردم را جزء یکی از وظایف اصلی زمامدار می‌دانند که باید مردم را از آن آگاه کند.

### مسئولیت پذیری افراد جامعه

در یک جامعه مردم‌سالار اسلامی تمامی افراد جامعه با توجه به خصوصیات تخصص تعهد تقوا و علم و غیره می‌توانند در سطوح مختلف مسئولیت بپذیرند و در خدمت جامعه باشند و حکومت باید شرایطی را فراهم کند که مناسب و موقعیت‌های اجتماعی به شایسته‌ترین و باتقواترین افراد برسد و افراد به این حق خود در جامعه دست پیدا کنند.

نامه به معاویه و یادآوری این نکته که بنی‌امیه شایستگی خلافت بر مسلمین را ندارند: «و شما بنی‌امیه ای معاویه کی لیاقت حکمرانی رعیت و زمامداری مسلمانان را داشتید بدون سابقه خیر و نیکویی و بی‌دارا بودن بزرگواری و ارجمندی پیش‌ازین در امری فضیلت و برتری نداشته که باعث شود ادعای خلافت و امارت نمایی» (نامه ده بند ۳).

نامه امام در پاسخ به نامه معاویه که از حضرت ایالت شام را خواسته بود، امام به او یادآور می‌شود که خاندان بنی‌امیه شایستگی خلافت بر مسلمین را ندارند: «و اما اینکه از منشأ مرا خواستی، پس من نبوده‌ام کسی که امروز ببخشم آنچه را که دیروز از تو من کرده باز داشته‌ام، زیرا سبب منع بازداشت که مخالفت حق و بی‌باکی تو در دین است، باقی و برقرار می‌باشد» (نامه ۱۷ بند یک).

نامه امام به یکی از کارگزارانش که به او سفارش می‌کند که در انتخاب کارگزاران نهایت دقت را داشته باشد و افراد پرهیزگار و خداترس را در مناصب مختلف قرار دهد: «کارگردان خود را در اندیشه‌ها و کردار پوشیده است به پرهیزگاری و ترس از خدا دستور می‌دهم جایی که غیر از خدا حاضر و ناظر نیست و به جز او نگهبان و کسی که کار به او واگذار می‌شود نیست» (نامه ۲۶ بند ۱).

امام علیه‌السلام سابقه نیکو افراد و دین‌داری، امانت، خیرخواهی، پاک‌دامنی و تخصص را از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد در تصدی مناسب معرفی می‌کند و افرادی که منافق و دورو باشند امانت و فرمان خدا

را اجرا نمی‌کنند و به رعیت ستم می‌کنند و در راه حق گام بر نمی‌دارند بنابراین شایستگی حکومت و تصدی مسئولیت بر مردم را ندارند.

### حق نظارت و انتقاد

امام انتقاد و نصیحت را نه تنها حق اصلی شهروندان بلکه آن را از واجبات حکومت اسلامی می‌داند و پذیرش چنین انتقادی را نیز وظیفه مسئولین به شمار می‌آورد چراکه نقد صحیح حکومت را از انحراف و اشتباه باز می‌دارد و مانع از این می‌شود که حکومت در گمراهی گرفتار شود اگر نقد در جامعه وجود نداشته باشد تمامی دستورات حکومت بی‌چون وچرا انجام می‌شود و حاکم در تمامی کارها اختیار تام دارد، انتقاد سبب می‌شود که حکومت همیشه داوری را حس کند که فراتر از همه چیز بر عملکرد آن‌ها نظارت دارد.

از نامه‌های آن حضرت به اهالی مصر و ستودن آن‌ها به خاطر نظارت و نقدهایی که بر کار خلیفه سوم داشتند که این نظارت مانع از انحراف بیشتر حکومت گردید: «این نامه از بنده خدا علی امیرالمؤمنین است به سوی گروهی که برای خدا به خشم آمدند هنگامی که در زمین معصیت و نافرمانی کردند و حق او را بردند پس ستم سراپرده بر سر نیکوکار و بدکار و ساکن و مسافر زد و مردم به طوری برخلاف آنچه خدا و رسول فرموده بود رفتار می‌نمودند که معروف و کار شایسته این بود که از توجه به آن آسودگی رو نماید و نه منکر و زشتی که از آن جلوگیری شود، در زمان عثمان معروف و منکر متداول بود و اما مردم مصر را از جهت نظارت بر حکومت، ستوده است» (نامه ۳۸ بند ۱).

از نامه‌های آن حضرت به مالک اشتر که در آن به او گوشزد می‌کند که نقد و انتقاد مردم از حکومت جزء حقوق آن‌ها می‌باشد و وظیفه حاکم اسلامی است که این نقدها را گوش کند و درصدد پاسخ به آن‌ها برآید: «و اگر رعیت به تو گمان ستمگری بردند عذر او دلیل را برای ایشان آشکار کن و گمان‌های آن‌ها را با آشکار کردند از خویشتن دورنما، زیرا در آن کار ریاضت و عادت دادن است به خود عدل و انصاف را و مهربانی به رعیت و عذر آوردن نیست که با آن به آنچه خاص داریم از وادار نمودن آن‌ها به حق می‌رسیم تو که می‌خواهی از بدگمانی و سرزنش آن‌ها به رحیم عضو خود را بیان کن تا از اشتباه بیرون آمده و دوستیت در دل جا دهند» (نامه ۵۳ بند ۷۳).

امام نظارت و انتقاد مردم و اعتراض بر حق آن‌ها را در هر دوره‌ای از تاریخ اسلام در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی از حقوق شهروندان نسبت به حکومت می‌داند که سبب می‌شود حکومت از هرگونه تخطی محفوظ بماند اهمیت افکار مردم در نامه‌های ایشان به کارگزاران نقش اساسی داشته است به طوری که این افکار می‌تواند در حیاط متعادل حکومت نقش اساسی را بازی کند و به ایجاد یک مدنیت مسلمان در جامعه اقدام کند، چراکه نقد در جامعه بستری پویا و متعالی ایجاد می‌کند که سبب رشد و بالندگی و حرکت جامعه به سمت رشد و ترقی می‌شود.



## حق انتخاب کردن

در هر جامعه اعضای، صاحب حق در تعیین سرنوشت خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند هستند. جامعه باز جامعه‌ای است که افراد جامعه در یک روز می‌تواند فردی را به‌عنوان هوکنا انتخاب کنند و در روز دیگر در صورت عدم شایستگی حاکم را از عزل کنند و هرکدام از افراد جامعه که شایستگی رسیدن به حکومت را دارند می‌توانند در این پست قرار گیرند.

جریان بیعت مردم با امام نمود بارزی از حق انتخاب مردم است، مردم در زمانی که فوتبال برای انتخاب ایشان پیش آمدند امام به انتخاب مردم پشت نکرد و آن را یک انتخاب راستین بر اساس سنت الهی دانست.

نامه امام به اهالی کوفه و توضیح دادن در مورد این که بیعت مردم با ایشان از روی اختیار صورت گرفته نه از روی اجبار و تحمیل: «پس طلحه و زبیر و عایشه مردم را به کشتن عثمان ترغیب نمودند و گروهی برای کشتنش آماده شده او را کشتند و مردم بدون اکراه و اجبار از روی میل و اختیار با من بیعت نمودند پس سبب مخالفت طلحه و زبیر و پیروانش با من و پرورش و برپا نمودن فتنه و آشوب چیست؟» (نامه یک بند ۳).

از نامه‌های آن حضرت به معاویه که در آن صحت و درستی و مردمی بودن خلافت خود را اثبات می‌کند: «کسانی که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند به همان طریق با من بیعت کرده و احد پیمان بستند، زمام امور را به دست من دادند، پس به عقیده شما خلافت از جانب خدا و رسول تعیین نشده بلکه اجماع امت برقرار می‌گردد و مردم اجماع کرده ابوبکر و عمر و عثمان را خلیفه قرار دادند، همان اشخاص مرا برای خلافت تعیین نمودند بنابراین آن را که حاضر بوده مانند تنه و سبک نمی‌رسد که جزو را اختیار کند و آن را که حاضر نبود همانند معاویه نمی‌رسد که آن را نپذیرد» (نامه ۶ بند ۱).

از نامه‌های آن حضرت است به معاویه در تبعیت همگان بر اجماع مسلمانان و احترام گذاشتن به‌حق انتخاب مردم: «ای معاویه وظیفه مردم بصره و تو و اهل شام در موضوع بیعت و پیمان بستن با من یکسان است زیرا آن یک بیعت است که مهاجرین و انصار را که اهل حل و عقد امت محمد می‌دانید گردآمده بر آن اتفاق نموده‌اند و هر بیعتی را که ایشان بر آن تصمیم بگیرند و اندیشه در آن دو تا نمی‌شود و اختیار رأی دیگر در آن از سر گرفته نمی‌شود، چنانکه درباره خلافت ابوبکر و عثمان و عمر و بیعت با آنها چنین عقیده‌ای دارید، پس حاضر نمی‌تواند پیمان شکسته دیگری را انتخاب نماید و غایب را نمی‌رسد آن را نپذیرد، بنابراین هر که پیمان شکسته از آن دست بردارد به دین و آیین مسلمانان تنظیم‌کننده است پس باید با آن جنگید تا به راهی که بیرون رفته بازگردد و هر که در پذیرفتن و نپذیرفتن آن تعامل و اندیشه نماید منافق و دورو زیرا تعامل او در رد و قبول به عقیده و سابقه عمل شما مستلزم آن است که درراه مؤمنین و وجود پیروی از آن شک و تعقیب داشته و علاقه او از روی

راستی و درستی نبوده است، چون اگر علاقه او از روی حقیقت بود بایستی بدون تأمل و درنگ آن چرا مؤمنین گردآمده بر آن اتفاق نموده‌اند بپذیرد» (نامه هفت بند ۳).

نامه آن حضرت به معاویه و توضیح دادن در مورد بیعت مردم با امام: «و معاویه گفتی مرا مانند شتری که چوب در بینی‌اش کرده می‌کشند، برای بیعت با خلفا کشیدند تا بیعت نمایم به خدا سوگند خواست‌های نکوهش نمایید ستایش نموده و خواسته‌های رسواسازی رسوا شدیم زیرا از این گفتار مظلومیت مرا هویدا ساختی چون اقرار کردی که من به ظلم و ستم و اکراه و اجبار بیعت نمودم و اجتماعی که از روی ظلم و ستم محقق شود درست نبوده ممکن آن راه خواهد بود، پس خود را سرزنش نموده با خودت رسوا ساختیم و بر مسلمان تا در دین شک و در یقین و باورش تردید نباشد نقص و عیبی نیست که مظلوم و ستم‌کش واقع شود و قصد از بیان این حجت و دلیل من که برای اثبات خلافت هم اشاره کردم به غیر تو خلفایی که ادعای تحقق اجماع نمودند هست ولی از آن به مقدار آنچه بیان آن پیش آمد اظهار داشتند تا تو به گمراهی خویش پی ببریم» (نامه ۲۸ بند ۱۰).

همان‌طور که مشاهده کردیم امام مردم‌سالاری و حق انتخاب مردم را تنها در صورتی صحیح می‌داند که این انتخاب از روی میل و اراده و اختیار مردم صورت بگیرد از نظر ایشان حتی اگر در اجماع مردم ذره‌ای فشار و تهدید و زور بر مردم وارد گردد، این بیعت هیچ ارزشی ندارد و مردم‌سالاری در آن تحقق پیدا نمی‌کند، نحوه به خلافت رسیدن ایشان نوع کاملی از مردم‌سالاری راستین دینی بود که مردم در آن بدون هیچ اجباری از روی اختیار برای بیعت به ایشان مراجعه کردند.

### حقوق اجتماعی

اهمیت حقوق اجتماعی و ضرورت وجودی یک حاصل از تأثیراتی است که ساختارهای اجتماعی اقتصادی بر استعدادها و فرصت‌های شهروندان دارد، به بیانی ساده‌تر اساس انگاره حقوق اجتماعی تفکیک میان دستاوردها و استحقاق است بدین معنا که هر کس باید حق برخورداری از استاندارد حداقلی را که برای یک جامعه مشخص متناسب در نظر گرفته می‌شود را داشته باشد (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۲۸).

در حکومت علی بن ابیطالب حقوق اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از این حقوق مانند امنیت، عدالت و نظایر آن از مهم‌ترین وظایف و کارکردهای دولت در برقراری آن‌ها در جامعه هست.

### داشتن فرصت برابر برای مشارکت

از مفهوم مشارکت می‌توان مفاهیمی چون درگیری، تلاش، تأثیرپذیری، عکس‌العمل، تقسیم اطلاعات، موقعیت‌یابی حل مشکل، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و نظایر آن‌ها را استنباط نمود (آزاد ارمکی ۱۳۸۶: ۲۰۲). مشارکت توأم با مردم محوری در پی این هست که توأم با خلاقیت و توانایی نیروهای مردمی

هست تا از این طریق زمینه‌های خلاقیت و ابتکار افراد در بستر جامعه فراهم گردد تا شرایط برای توسعه جامعه به وجود آید.

از نامه‌های آن حضرت به یکی از کارگزارانش که در آن مدارا و خوشرفتاری با رعیت را به او امر می‌فرماید: «و برای رعیت بانت را فرود آورد و رویت را بگشا و پهلوی ترانه نرمکن، مهربان و هموار و خوشخو باش در نگرستن به گوشه چشم و خیره نگاه کردن و اشاره نمودن و درود گفتن بینی‌شان یکسان رفتار کن، یکی را بر دیگری امتیاز مده تا بزرگان در ستم گردن تو طمع و آز ننمایند، درصد

دشمنی با تو بر نمی‌آیند و زیردستان از دادگری تو ناامید نشوند» (نامه ۴۶ بند ۲)

نامه آن حضرت به مالک اشتر و توصیه به او که فرصت‌های برابر ای، برای مشارکت افراد در جامعه فراهم کند: «و نظام و آسایشی برای این دودسته سپاهیان و خراج دهندگان نیست مگر به دسته سوم که عبارت است از قاضی‌ها که برای عقدها حک می‌نمایند و کارگردانان که باج و خراج گرد می‌آورند و نویسندگان که برای کارهای همگانی و خصوصی به آن‌ها اعتماد می‌شود و سررشته حساب نگه می‌دارند و نظام و آسایشی برای همه این دسته‌ها نیست مگر به سوداگران و صنعتگران ای که سودهاشان را گرد آورده و بازارها را برپا می‌دارند و کارهایی انجام می‌دهند که سعی و کوشش غیر ایشان آن کارها را سامان نتواند داد» (نامه ۵۳ بند ۲۹).

«پس از این دسته فروتن آن هستند که نیازمندان و بیچارگان‌اند و بخشش و کمک به آن‌ها بر توانگران واجب و لازم است» (نامه ۵۳ بند ۳۰).

«و نزد خدا برای هر یک از این طبقات گشایشی است و ناتوانی، پس اگر بعضی را به بعضی نیازمند گردانید طبق حکمت و مصلحت بوده نه از روی تنگی و کمی قدرت و هر یک از آن دسته‌ها را بر حکمران حقیقی است به اندازه‌ای که کار آن را به سلاح آورد و حکم آن از عهده آنچه خدا بر او لازم گردانیده بر نمی‌آید مگر به سعی و کوشش و یاری خواستن از خدا و آماده نمودن خود به کاربر کار بستن حق و شکیبایی بر آن در کار آسان یا گران و دشوار» (نامه ۵۳ بند ۳۱).

از دیدگاه ایشان همه اقشار جامعه باید در نزد حاکم یکسان باشند و هیچ تفاوتی بین آن‌ها نباشد چراکه رشد و توسعه جامعه تنها از طریق مشارکت افراد فراهم می‌شود و هر یک از افراد با توجه به نقش و مشارکت ای که دارند نیازهایی از جامعه را برطرف می‌کنند و سبب رشد و تعالی جامعه می‌شوند.

### رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی

یکی از ارزش‌های حاکم در حکومت اسلامی رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی است یعنی کسانی که با پرداختن جزیره در زیر پوشش حکومت اسلامی هستند و وظیفه حکومت است که از مال، ناموس و املاک آن‌ها نگهداری کند و به احدی اجازه تجاوز و تعدی به آن‌ها را نمی‌دهد، چرا که آن‌ها در پناه اسلام هستند و برای رشد و توسعه همه‌جانبه جامعه ضروری است که حقوق اقلیت‌ها را حفظ کرده و با آن‌ها به عدالت رفتار کنند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۶۶).

از نامه‌های آن حضرت به بعضی از اشخاص که از جانب آن بزرگوار حاکم و فرمانروا بودند درباره مماشات با رعیت‌هایی که مشترک بوده و از آن‌ها کم شکایت نموده بودند: «پس از ستایش خدا و درود بر پیغمبر اکرم (ص) کشاورزان شهری که تو در آن حکم فرما هستی از درشتی و سختی و خوار شدن و ستمگری تو شکایت نموده‌اند، از رفتارت مرا آگاه ساختند و من در شکایت ایشان اندیشه نمودم آن را شایسته نزدیک شدن تو ندیدم به جهت اینکه آن‌ها مشرک هستند، گفتند آن‌ها آتش پرست بودند و درخور دور شدن و ستم کردن به جهت آنکه با مسلمانان پیمان بسته‌اند، جزیه می‌دهند و در پناه اسلام هستند» (نامه ۱۹ بند ۱).

از نامه‌های امام به خراج گیران و حکمرانان شهرهایی که لشکر از زمین‌های آن‌ها عبور می‌کند که درباره نیکی کردن به آن‌ها سفارش می‌نماید: «پس از حمد خدا و درود بر پیغمبر اکرم (ص) من لشکری را که به زمین‌های شما عبور خواهند کرد به خواست خدا روانه نمودم و آن‌ها را به آنچه خدا برایشان واجب گردانیده از آزار و بدی نرساندن به مردم سفارش نمودم و من نزد شما و اهل ذمه جزیه دهندگان که در پناه شما هستند درباره زیان رساندن لشکر مبرا هستم، زیرا ایشان را از زیان رساندن منع نمودم و شما را آگاه ساختم که مگذارید به رعیت زیان برسانند و به مال و کشتشان دست دراز کنند بجز کسی که گرسنه و بیچاره باشد و برای سیر شدن راهی به جز برداشتن مال رعیت به اندازه‌ای که خود یا اسبش که در حکم او است سیر شوند، نیابد که چنین زیانی رواست» (نامه ۶۰ بند ۱)

در حکومت اسلامی هیچ مقام عالی‌رتبه و حاکم این می‌تواند به حقوق اقلیت‌ها تجاوز کند، ایشان نسبت به کسانی که تعرض می‌کنند می‌فرماید که اگر شکایتی به دست من از این ظلم و ستم برسد به شدت با متجاوزان برخورد خواهم کرد در حقیقت جامعه راستین و عدالت محور تنها با رعایت و احترام به حقوق همدیگر است که می‌تواند به رشد و شکوفایی برسد.

### نتیجه‌گیری

در اندیشه امام توجه به ایجاد زمینه‌ای برای تکامل معنوی و آموزش آموزه‌های دینی و مادی از اهمیت بسیاری برخوردار هست، به این دلیل که یکی از وظایف اصلی حاکم اسلامی تأمین سعادت دنیوی و تأمین حقوق شهروندی مردم هست. ایشان با توجه ویژه‌ای که به اهمیت حقوق اجتماعی و سیاسی و مدنی مردم دارند، معتقدند که اگر در جامعه‌ای که ارزش‌های معنوی و مادی باهم حاکم گردد، جامعه راه رسیدن به سعادت و تکامل خود را پیدا می‌کند و اجرای دیگر شاخص‌های حقوق شهروندی در جامعه منوط به اجرای صحیح این شاخص‌ها هست.

در مجموع می‌توان گفت که حکومت علی بن ابیطالب ویژگی یک حکومت ایده‌آل یا مدینه فاضله را در ایجاد رابطه دوسویه بین مردم و حکومت می‌داند، حکومتی که در آن به حقوق شهروندی احترام گذاشته می‌شود، حکومتی که در آن به حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی افراد احترام گذاشته می‌شود و این حقوق به رسمیت شناخته می‌شود، این حقوق بیانگر حرمت و کرامت نفس

شهروندان در نظام سیاسی و مجموعه حکومت است که رعایت آن می‌تواند حق شهروندان بر حکومت و حکومت بر شهروندان را به صورت شفاف مورد تأکید قرار دهد و شرایط را برای رشد و ترقی جامعه فراهم کند. تأکید بیشتر ایشان بر حقوق شهروندی در نامه‌های نهج‌البلاغه نشانگر این نکته است که مردم بر حکومت حق بیشتری دارند که در قبال برخورداری از این حقوق یک سری تکالیف را نیز باید بر عهده بگیرند؛ در واقع تقدم حق بر تکلیف در اندیشه ایشان نشان از این دارد که تا حقوقی در جامعه تحقق پیدا نکند، تکلیف معنایی ندارد و تحقق حقوق شهروندی منوط به اجرا حق و تکلیف در جامعه توسط حکومت است که تحقق این الگو در جامعه علوی سبب شد که تنش‌ها و اختلاف دیدگاه‌ها به صورت اثربخش و مبتنی بر اعتماد متقابل حل شود.



## منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، انتشارات علم.
- اشتراوس، لئو. (۱۳۹۲). فلسفه سیاسی چیست، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- افروغ، عماد. (۱۳۸۷). حقوق شهروندی و عدالت، تهران، انتشارات سوره مهر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- رکنی، فاطمه. (۱۳۸۴). علی عدالت قانون، تهران، نشر عابد.
- سلطان‌زاده، هدایت. (۱۳۸۷). حق شهروندی ملت و حق تعیین سرنوشت بیجا.
- طاهری، حبیب‌الله. (۱۳۷۹). حکومت و سیاست از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، مشهد، انتشارات محمدباقر صدر.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۶۷). فارابی و سیر شهروندی در تهران، انتشارات جهان نقره.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی یاریگری، تهران، نشر ثالث.
- کاستل استفان و آلیستر دیویدسون. (۱۳۸۲). مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران، انتشارات پژوهشکده و مطالعات راهبردی.